

فانت و القلوب شوق غیر متفرق * و ما نهابت الاجتنان عن حسنة
الاولى و حذرتك بين الحق و الخرافات عباس بن احمد الشاعر الذي رحمه الله تعالى
كيتت ابا و الفضل انت بكا نه مشايخ شام بود در وقت خود زبان نيكو داشت
و شوقت ظاهر شاگرد ابوالفضل زمان شاهي انت شيخ الاسلام كهفت كه من
بالتن دنكه امكه و برادر يد شيخ ابوالفاسم بوسله با و دي و جخانه عباس بن
شاه بود شيخ ابو سعید ما لستني حافظ كو بدكه بر اين شيخ عباس بود و او
مختص بود كنهت رحي و حاله جوجنت كهفت مترد در تمام كچه كنهت او اختيار
كندر بر و ترم كه دليلي بود و كشتاخ و دعوى داری و اگر اين اختيار كنهت
ترسم كه در اندرو مقصود باشم و كه هيت ديوار بود منتظر تا خود چه كنهت
و چه كني شيخ ابو سعید بگويد كه برون آمده و در وقت هر وقت **شعر**
و لو قلت كنت متا سمع و طاعة * و قلت لداعي الموت اهلها و من جبالها
شيخ الاسلام كهفت مالك ديوار مختص بود كهفت اي دي كه براي جوي كنهت
و ان آن وقت بود كه در بصره جويها مي كشدند بركهت كنهت كنهت كنهت كنهت
بري بنو آدم و در وقت هر شان صلوة و لمشي و محيبي و محماني الله رب العالمين
شيخ الاسلام كهفت اين قوم يعني دي و شنان و سر اى وى زيندا **بوجزه خزاسا**
قدس الله تعالى روحه اظنه قلته نالته انت كهفته انبصل وى از نيشابور بود
باشا شيخ عرفان صحت داشته و از ان حين بوده و با او تيز بخشنه

بودن
محمد بن احمد
شيخ الاسلام
ابو سعید
با و دي و جخانه
عباس بن
شاه بود
شيخ ابو سعید
ما لستني
حافظ كو
بدكه بر
اين شيخ
عباس بود
و او
مختص بود
كنهت رحي
و حاله
جوجنت
كهفت
مترد در
تمام
كچه
كنهت
او
اختيار
كندر
بر و
ترم
كه
دليلي
بود
و
كشتاخ
و
دعوى
داری
و
اگر
اين
اختيار
كنهت
ترسم
كه
در
اندرو
مقصود
باشم
و
كه
هيت
ديوار
بود
منتظر
تا
خود
چه
كنهت
و
چه
كني
شيخ
ابو
سعید
بگويد
كه
برون
آمده
و
در
وقت
هر
وقت
شعر
و
لو
قلت
كنت
متا
سمع
و
طاعة
*
و
قلت
لداعي
الموت
اهلها
و
من
جبالها
شيخ
الاسلام
كهفت
مالك
ديوار
مختص
بود
كهفت
اي
دي
كه
براي
جوي
كنهت
و
ان
آن
وقت
بود
كه
در
بصره
جويها
مي
كشدند
بركهت
كنهت
كنهت
كنهت
كنهت
بري
بنو
آدم
و
در
وقت
هر
شان
صلوة
و
لمشي
و
محيبي
و
محماني
الله
رب
العالمين
شيخ
الاسلام
كهفت
اين
قوم
يعني
دي
و
شنان
و
سر
اى
و
ى
زيندا
**بوجزه
خزاسا**
**قدس
الله
تعالى
روحه**
اظنه
قلته
نالته
انت
كهفته
انبصل
و
ى
از
نيشابور
بود
باشا
شيخ
عرفان
صحت
داشته
و
از
ان
حين
بوده
و
با
او
تيز
بخشنه

و سفن كزده و با ابوسعید خدری رفیق بوده و وی انجوان مردان مشایخ است
درسته نسه عین و ماین برفته از دنیا پیش از حید و بودی و پس از آن
بغدادی و قی در مسجدی پای نامه خواست کسی دینی بوی انداختن بقیمت فراد
آزار و درید و پاید پدید وی را كهفتند این چه بود كه كزی با این چند پای
نامه توانستی خرید جواب داد كه لا اخوان المنزه كنهت من ذم ذمه خیانت
كهنه صاحب كنهت المحرب كهفته كه من دیده درونی بیا از من اختران كه سلطان
و ى لاسبصد مشغال زفر نشاند كه با این بكم ما به صرفه كزی وى بكم ما به شد
و ان جمله را بكم ما به بان داد و برفت شيخ الاسلام كهفت التصوف و التصرف
لا يكون تصوف و تصرف بهر بنود ديوار ریح باشان و آنرا قیمت نهادن مرد را
ان تصوف پر رون هر چون سوی از خیر صوفیان دنیا را قیمت نهفتند و اندوه
هر بخود ندان كه همه دنیا كهفته سازی و در دهان درویشی نرا استرا و بیا شد
اشرف آن باشد كه نه رضای حق سحانه صرف كنی حق تعالى از دست نوجی بدان
ترك دنیا نخواهد كردن اقل ترك دوستی دنیا ساخت خواست **شعر**
الدنيا مدرة لك منها عذرة الدنيا همه كل و خست و ضيب اولئك كل و كره
شعبي ميگويد كه در دنیا زاهد باشد با زموه حضرت حق را كه آن بز فريش
ست اگر دنیا را بپوش حضرت حق هيچ قيمت بودى بد نشمان خود ندای او بر
صحت حال مثل انباشت گویند كه چون آواز باد بشنیدی و خود بشنوی

چرا در این دنیا به نشانی امام علی است
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت

منزل امام علی است
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت
بزرگ تعدادی است و با اهل بیت

مقصود آنکه نظر از زاهد خود
دارد در اجکان فایده